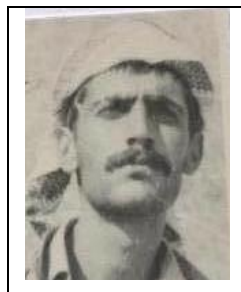


رفیق علیرضا مدیری (کاک مجید)



روز دوازدهم شهریور ماه، در جریان توپ باران یکی از مقرهای سازمان توسط دولت عراق، دو تن از رفقای برجسته، دو تن از اعضای صدیق و پرتلاش " راه کارگر"، رفقا: علیرضا مدیری (کاک مجید) و حمید زارع پور (کاک مسعود) به شهادت رسیدند. با به خاک افتادن این دو عضو برجسته سازمان و این فرزندان پاک باخته کارگران و زحمت کشان سازمان ما دوتن از بهترین هم رزمان خود و کمیته کردستان، دو تن از مسئولین مجرب و توانای خود را از دست داد.

آتش فشان انقلاب جامعه ما در دور اخیر جوانان بسیاری را به همراه خود به جوشش درآورد؛ شماری از آنان چنان بی دریغ وجود خود را بدان سپردند که شراره های آن همه وجودشان را فرا گرفت و آب دیده شدند و به نطفه های تلاش برای برپائی آتش فشانی عظیم تر از بهمن بدل گشتند. رفقا علیرضا مدیری (کاک مجید) و حمید زارع پور (کاک مسعود) از گل های سرسبد این نسل عاشقان پرشور و پاک باخته بودند. اما افسوس که سازمان ما آنان را در آغاز راه پیمائی در جهت نبرد قطعی از دست داد. باکی نیست! چرا که آتش فشان همچنان می غرد ... و ما بسیاریم!

رفیق علیرضا مدیری (کاک مجید) عضو برجسته، کادر نظامی سازمان و هم سنگر صدیق و وفادار " راه کارگر"، در سال 1341 در یک خانواده زحمت کش در شهر بروجرد به دنیا آمد. از کودکی در محیط محلات فقیر نشین، با دشواری ها و ناملایمات زندگی زحمت کشان جامعه ما پرورده شد. روحیه سرکش و وجود پر از مهر و عاطفه اش، او را به یکی از جوانان پر شور و دل سوز برای دوستان و مردم خویش بدل ساخته بود. از این رو با آغاز مبارزات ضد سلطنتی و جوشش های انقلابی زحمت کشان در دوران قبل از قیام، رفیق علیرضا مدیری جزو اولین جوانانی بود که به این موج خروشان پیوست و خیلی سریع به یکی از فعالین جنبش های دانش آموزی و جوانان محلات زحمت کش نشین شهر خود مبدل شد.

علیرضا که تمام دوران کودکی خود را تحت انواع فشارها و مصائب اجتماعی که از جمله خانواده و محله آنان را نیز احاطه کرده بود، پرورش یافته و هیچ گاه سر در برابر آن فرود نیاورده بود، تجمع عشق و عاطفه ای پاک و جدیتی بی امان نسبت به

رهائی زحمت کشان بود. به همین خاطر بود که علی رضا در نیمه راه متوقف نماند و سنگر به سنگر، سربلند و سرافراز در کوران مبارزه به پیش آمد و آب دیده شد. علیرضا جوان پرشور و محبوب محله، در گام بعدی به مبارزه سیاسی سازمان یافته پیوست و به عنوان یکی از اولین رفقای " راه کارگر" در بروجرد، از سال 58 فعالیت خود را آغاز نمود. در دوران فعالیت علنی نیروهای سیاسی در بروجرد، چهره صمیمی، بیان ساده و مردمی رفیق علی رضا مدیری و قاطعیت او در دفاع از مواضع انقلابی سازمان، در ذهن همه کسانی که از دور یا نزدیک با او برخوردی داشته اند به یاد مانده و خواهد ماند.

رفیق علیرضا مدیری طی دو سال فعالیت منظم و پیگیر خود در بخش دانش آموزی و تبلیغات تشکیلات سازمان در بروجرد، همیشه یکی از ستون های اصلی این عرصه از فعالیت بود. و این قبل از همه به این خاطر بود که شور و شوق، علاقه و پی گیری او نسبت به پیش برد فعالیت، تأثیر به سزائی در انجام وظائف محوله و حتا بر فعالیت سایر هم رزمانش به جای گذاشت. در این دوره علی رضا چندین بار متکی به هوشیاری و ذکاوتی قابل تحسین توانست با موفقیت از تورهای دستگیری دسته های سرکوب و ارگان های مسلح رژیم، خود را برهاند و از این رو تحت پی گرد شدید رژیم قرار داشت. سال های فعالیت علنی به پایان خود نزدیک می شد و آغاز شرایط پس از 30 خرداد 60، اولین عرصه آزمون جدی بود که جوهر راستین همه آنهایی که به مبارزه روی آورده بودند، محک می خورد. اما علی رضا چنان که گویی از ابتدا برای دشواری هائی به مراتب بیشتر از این خود را آماده کرده باشد، بی آن که خم به ابرو بیاورد و با شوری دو چندان به فعالیت خود ادامه داد، تا جائی که دیگر امکان ماندنش در بروجرد نبود. از این رو به ناچار برای ادامه فعالیت باید به جای دیگری می رفت. در این رابطه از پائیز سال 60 به تهران منتقل شد.

یک سال اقامت او در تهران، هم زمان بود با هجوم افسار گسیخته رژیم و مقطعی که سازمان ما زیر شدیدترین حملات خود را حفظ کرد و برای شرایط جدید و ادامه فعالیت آماده می ساخت. در این دوره یک ساله نیز، علی رضا هم چنان که از او انتظار می رفت در بدترین شرایط همواره نقطه اتکاء دوستان و رفقایش بود. در این دوره که برخی از فعالین محل زندگی، شغل و یا حتا پولی برای تأمین هزینه زندگی خود نداشتند، علی رضا با از خود گذشتگی و فداکاری هایی کم نظیر، از وجود خود مایه می گذاشت و به یاری رفقایش می شتافت.

او سال 61 تقاضای انتقال به کردستان را با تشکیلات مطرح ساخت، خیلی زود با او موافقت شد، رفیق علیرضا مدیری پای به کردستان نهاد و عضو و هم سنگری با ارزش به پیکره تشکیلات کردستان افزوده شد. نقش خود را در استخوان بندی تشکیلات کردستان یافت و کاک مجید نام گرفت. او خیلی سریع با تمام زوایای محیط جدید خود را منطبق ساخت و این را باید به حق از زمره برجسته ترین خصائل او قلمداد کرد. توانائی او در درک مسائل تازه و انطباق با شرایط جدید فعالیت او را سریعاً به یکی از مجرب ترین رفقای تشکیلات در عرصه های گوناگون فعالیت بدل ساخت. در کنار این، جسارت و فداکاری او عامل مهمی بود که کاک مجید منکی به ان توانست خصوصاً در حوزه فعالیت نظامی به سرعت رشد کرده و به یکی از مسئولین این بخش تبدیل شود. از این پس در بسیاری از عملیات ها و مأموریت ها، صدای رسا و جدی کاک مجید بود که خطاب به پیش مرگان، آنان را هدایت می کرد و این وجود سراپا عاطفه و نشاط او بود که نقطه انکاء همه همزمان و پیش مرگان تحت فرماندهی اش بود. در عین حال کاک مجید همیشه علاوه بر بدوش کشیدن این مسئولیت خطیر در حوزه های فعالیت دیگر نیز، همواره یکی از فعال ترین اعضای واحدهای سیاسی سازمان بود.

کاک مجید در بسیاری از عملیات های نظامی در سنگر نخست درگیری ها، شرکت فعال و مؤثر داشت. تا این که در یکی از همین درگیری ها، در نبرد حماسی پیش مرگان در مقابل یورش رژیم به منطقه بانه در دی ماه 62، به شدت زخمی شد. مجروح شدن و پنجه در پنجه، ستیز با مرگ، آزمون دیگری بود که کاک مجید با روحیه ای عالی و سرشار از شور زندگی و مبارزه سربلند از آن بیرون آمد و برخوردهای ارزنده خود را چون سرمشقی گران بها برای هم زمانش به یادگار گذاشت. پس از مدت کوتاهی با وجود این که هم چنان جسمش از عواقب و شدت جراحات رنج می برد، پر نشاط و با روحیه ای عالی به جمع رفقای خود پیوست و فعالانه به پیش برد وظایف خود مشغول شد. کاک مجید فرمانده کاردان، جسور و محبوب همه، از اواسط سال 62 با عضویت در شورای فرماندهی نظامی کردستان، نقش هرچه مؤثرتری را در فعالیت نظامی سازمان در کردستان به عهده گرفت و در یک سال گذشته تا لحظه شهادتش یکی از فرماندهان لایق سازمان ما در کردستان بود.

تمامی رفقائی که هم اکنون سنگر خالی او را پر کرده اند و همه پیش مرگانی که تحت مسئولیت او آموزش دیده و در فعالیت های نظامی سازمان شرکت داشته اند، خاطره و آموزه های ارزنده رفیق علیرضا مدیری (کاک مجید) را در ذهن خود

خواهند سپرد و زینت بخش ادامه فعالیت شان قرار خواهند داد. او برای همه رفقا و هم سنگراننش نمونه و مظهر شادابی و برخورد های صمیمانه، به کار گیری خلاقیت ها و روحیه جمعی، جسارت و تحرک عملی فوق العاده و جدیت و برخورد صادقانه با وظایف و اعتقاداتش بود. چهره صمیمی و جدی اش و خصائل و زندگی سراسر آموزه او در سنگر به سنگر نبردهای آینده، قوت قلب و راه نمای عمل ما خواهد بود. از این روست که بر این باوریم که کاک مجید در میان ما خواهد بود.